

## تصمیمات دادگاهها

### تصمیم دیوان کشور بر شکستن

در مورد بیکه دادگاه هر کدام از تخلفات مذکور در ماده ۵۴۱ و ۵۴۲ قانون تجارت را بزه جداگانه دانسته

مواد ۵۴۱ و ۵۴۲ و ۵۴۳ قانون تجارت

از فقرات مواد ۵۴۱ و ۵۴۲ نظر باینکه دادگاه هر يك از تخلفات را جرم مستقلی فرض نموده متهم را از لحاظ تعدد جرائم برای هر يك بیکسال حبس محکوم نموده در صورتیکه تخلفات مفروضه هر يك بتنهائی جرم علیحده محسوب نبوده و علل مخففه جرم واحد میباشدند که ورشکستگی بتقصیر باشد خواه علت متعدد باشد یا منحصراً فرد و چون این اندازه تخلف مؤثر در تعیین مجازات میباشد حکم فرجام خواسته نسبت به محکومیت فرجام خواه در این قسمت نقض میشود)

کسی بیزه ورشکستگی بتقصیر و انتقال مال غیر نعت تعقیب دادسرا واقع و دادگاه جزائی او را برای هر يك از تخلفات مذکور در ماده ۵۴۱ و ۵۴۲ و ۵۴۳ قانون تجارت با رعایت تخفیف بیکسال حبس تادیبی محکوم و از انعام دیگر نبرئه کرده متهم و دادستان استان فرجام خواسته اند - شعبه (۵) دیوان کشور در دادنامه شماره ۳۵۰ بتاریخ ۲۳-۲-۱۸ چنین رأی داده است:

(نسبت بمحکومیت های فرجام خواه در قسمت تخلفات

### تصمیم دیوان کشور بر استوار کردن

در مورد بیکه صندوق دار بنگاه، بواسطه غفلت خود و گیرنده وجه مقداری از وجهی را که

میباست تحویل دهد نپرداخته

ماده ۲۳۸ قانون مجازات

بتاریخ ۱۳-۴-۱۸ چنین رأی داده است:

(دعوائیکه بر متهم اقامه شده این است که در اثر غفلت گیرنده وجه و متهم هزار ریال از وجهی را که بایستی پس از اخذ قبض رسید تحویل دهد نپرداخته است و دعوی مزبور مشمول هیچیک از مواد جزائی نیست بناء علیه اعتراض دادستان وارد نبوده و حکم فرجام خواسته بالتسویه باتفاق آراء ابرام میشود)

کسی متهم شده است که بجای اینکه بنا بدستور سراف بانک مبلغ ۱۶۰۰۰ ریال تحویل کسی دهد هزار ریال کمتر داده و از سراف رسید ۱۶۰۰۰ ریال گرفته دادگاه شهرستان طبق ماده ۲۳۸ و ۴۵ قانون مجازات او را محکوم کرده - بنا بدرخواست بزه نشی متهم دادگاه استان دادنامه را کسبخته و عمل را حقوقی دانسته و قرار منع تعقیب کفیری او را داده - دادستان استان فرجام خواسته - شعبه (۵) دیوان کشور در دادنامه شماره ۸۲۵

### تصمیم دیوان کشور بر استوار کردن

در مورد اتهام بدعوت بعمل منافی عفت که مجرد صحبت دونفری بوده

ماده ۲۱۰ اصلاحی قانون مجازات

از لحاظ اینکه دعوت متهمه باینکه (اگر بخواهی کسی در کار از است که یکساعت با او بشینی و سه تومان میدهد) عمل خلاف عفت محسوب نمیشود و این کار هم در منظر و یا اماکن

زنی بیزه دعوت زنی علناً بعمل منافی عفت در کوچه طبق ماده ۲۱۰ قانون مجازات در دادگاه جنحه بحسب تادیبی محکوم میشود - محکوم علیها بزه نشی خواسته دادگاه استان

عمومی نبوده و بر فرض صحت مذاکره بین دو نفر بوده دادنامه را کسینخته و تبرئه میشود - شعبه ۵ دیوان کشور در دادنامه شماره ۳۳۸ بتاریخ ۱۹-۲-۱۸ اعتراض دادستان راجه

تصمیم دیوان کشور بر استوار کردن

راجع باینکه در امور جنحه بهر جهتی که دادنامه شکسته شود دادگاه مرجوع الیه میتواند نسبت بماهیت اظهار نظر کند

۱۴-۴-۱۸ چنین رأی داده است :  
(اعتراض دادستان استان که دادگاه نیز مورد نقض دیوان کشور منحرف گردیده وارد نیست چه آنکه در موارد امور جنحه همین که حکم در دیوان کشور بهر لحاظی نقض و بدادگاهی ارجاع گردید، دادگاه مرجوع الیه در صورتی که در ماهیت دعوی اشکالی راجع بمحکومیت متهم ملاحظه نموده میتواند نسبت بماهیت اظهار نظر نماید)

دادگاه جزائی کسی را برای شروع بعمل منافی عفت بغیر از هتك ناموس بشت ماه حبس تأدیبی محکوم کرده و متهم بر فرجام خواسته دیوان کشور دادنامه را بر اثر فرجام خواهی تبعی دادسرای دیوان کشور بعنوان کمتر بودن کیفر از میزان قانونی شکسته و رسیدگی را بدادگاه جزائی دیگر ارجاع کرده - دادگاه مزبور متهم را تبرئه کرده - بر اثر فرجام خواهی دادستان استان شعبه ۵ دیوان کشور در دادنامه شماره ۸۰۶ بتاریخ

تصمیم دیوان کشور

در مورد نیرداختن هزینه دادرسی جزائی ماده ۹۲ قانون آیین دادرسی کیفری

(آثر چه استدلال دادگاه برای رد دادخواست صحیح نیست زیرا مدرکی برای رد دادخواست در صورت نیرداختن هزینه مقرر در اصول محاکمات جزائی موجود نیست ولیکن چون اساساً در باب ضرر و زیان مدعی خصوصی رأی از دادگاه جنحه صادر نشده بوده و مورد از این جهت مقتضی رد دعوی محال بوده رأی دادگاه از حیث متن و نتیجه صحیح است و براتفاق اراء ابرام میشود)

کسی از دادنامه دادگاه جنحه در قسمتی که مبنی بر تفکیک دعوی خصوصی او از دعوی جزائی و احواله بدادگاه حقوقی بوده بزرگش خواسته - دفتر دادگاه استان اخطار رفع نقض کرده و دادگاه بملاحظه اینکه در موعد قانونی رفع تقاضا نکرده دادخواست او را اوزده است - بر اثر فرجام خواهی او شعبه ۲ دیوان کشور در دادنامه شماره ۷۰۲ بتاریخ ۳۰-۳-۱۸ چنین رأی داده است :

رویه دیوان کشور بر شکستن

در موردیکه دادگاه بر اعایت تخفیف کیفر را از حد اقل پائین نیاروده

ماده ۴۵ و ۱۷۵ قانون مجازات

دادنامه را کسینخته و هر یک را بدو سال حبس تأدیبی محکوم میشماید - بر اثر فرجام خواهی یکی از متهمین - شعبه ۵ دیوان کشور در دادنامه شماره ۷۵۸ بتاریخ ۹-۴-۱۸ چنین رأی داده است :

چند نفر بیزه ایراد ضرب منتهی بقوت کسی در حین نزاع با او مورد تعقیب دادسرا واقع و دادگاه جنحه هر یک را بچهار سال حبس تأدیبی محکوم کرده - بر اثر بزرگش خواهی آنها دادگاه استان (بملاحظه یک اندازه اقتضای تشنیف)

تخفیف الزام داشته که مجازات او را از حد اقل تنزیل دهد.  
حکم برخلاف ماده ۴۵ قانون مجازات عمومی صادر گردیده  
و برطبق ماده ۴۳۰ قانون اصول محاکمات جزائی نقص  
می شود (۰۰)

(نظر باینکه حداقل مجازات متهم برطبق ماده ۱۷۵  
قانون مجازات عمومی یکسال بوده و دادگاه با اینکه مشارالیه  
را قابل رعایت تخفیف دانسته معذک بیش از حد اقل مجازات  
(درسال حبس تادیبی) معین نموده در صورتیکه با رعایت

### تصمیم دیوان کشور بر شکستن

در مورد وازدن دادخواست پژوهشی از قرار عدم صلاحیت شعبه دادگاه شهرستان به عنوان صلاحیت شعبه دیگر  
ماده ۸ و ۹ قانون تسریع و ۱۶۲ قانون آئین دادرسی حقوقی

در غیر دو مورد مذکور نسخ قانون سابق اعسار و افلاس که  
شامل مقررات مربوطه به افلاس و رسیدگی بافلاس یا اعسار  
از مطلق دیون نیز بوده و از جمله نسخ مقررات راجع بطرز  
رسیدگی بچنین دعوی از ترتیب تشخیص طلب دیان و فروش  
اموال مدیون و تقسیم آن بین طلبکاران و تصفیه عمل مدعی  
و عدم وضع مقررات جدیدی بجای مقررات منسوخه  
و خصوصاً با تصریح بقابل قبول نبودن دعوی افلاس در قانون  
جدید چنین استنباط و معلوم میشود که مقصود مقنن در موقع  
وضع قانون جدید حصر دعوی اعسار بدو مورد فوق الذکر بوده و  
دعوی مزبور در غیر دو مورد مذکور قابل قبول نیست باین  
لحاظ نتیجه قرار مستأنف عنه در این قسمت صحیح بوده و  
تأیید میشود) - از قرار دادگاه استان فرجام خواسته -  
شعبه ۴ دیوان کشور در دادنامه شماره ۷۱۹۱ بقراریتخ ۳۶۲۹-۱۸۰۳۰۲۹  
چنین رأی داده است :

(نسبت بشکایت فرجام خواه از قرار رد دادخواست  
پژوهش راجع بقرارعدم صلاحیت صادر از دادگاه شهرستان  
استدلال دادگاه بدین خلاصه [قرار مذکور باستناد صلاحیت  
مراجع غیر عدلیه نیست و چنین قراری طبق ماده ۸ قانون تسریع  
محاکمات مستقلاً و علیحده از ماهیت دعوی قابل استیناف  
نمیشد و اختلاف در صلاحیت بشحوبکه در ماده ۱۶۲ اصول  
محاکمات حقوقی مقرر شده نیست که بعنوان حل اختلاف  
قابل طرح در محکمه استیناف باشد) صحیح نیست زیرا  
قرارعدم صلاحیت قابل پژوهش منحصر بقرارعدم صلاحیت  
دادگاه باستناد صلاحیت مراجع غیر عدلیه نبوده بلکه مطابق  
ماده ۹ قانون تسریع محاکمات کلیه قرارهای عدم صلاحیت  
اعم از ذاتی و محلی قابل پژوهش است و هر چند ارجاع

کسی بعنوان اینکه دارای او کفایت بدهی او را  
نمیکند با معرفی میزان طلب هر یک از طلبکاران درخواست  
رسیدگی و دادنامه بتقسیم موجودی بین آنها و تصدیق اعسار  
نسبت بمابقی طلب تا حصول ملائت نموده شعبه ۲ دادگاه  
شهرستان [ بعنوان اینکه قسمت از بدهی او عبارتست از  
محکوم به دادنامه صادر از شعبه ۹ دادگاه شهرستان بشفع  
یکی از طلبکاران و بقیه بابت سایر بدهی های او است که  
دادنامه و اجرائیه نسبت بآنها صادر نشده ) در قسمت اعسار  
از محکوم به قرارعدم صلاحیت و نسبت باعسار از سایر بدهی  
ها قرار وازدن دادخواست را داده - بر اثر پژوهش خواهی  
خواهان (مدعی) دادگاه استان چنین رأی داده است [ راجع  
بقرارعدم صلاحیت صرف نظر از ورود باعدم ورود اعتراضات  
مستأنف در این خصوص که مربوط صلاحیت است نظر باینکه قرار  
مزبور بقرارعدم صلاحیت باستناد صلاحیت مراجع غیر عدلیه نیست  
و چنین قراری طبق ماده ۸ قانون تسریع محاکمات مستقلاً و علیحده  
از ماهیت دعوی قابل استیناف نمیشد و اختلاف در صلاحیت  
هم بشحوبکه در ماده ۱۶۲ قانون اصول محاکمات حقوقی مقرر  
شده معقق نیست که فعلاً این قسمت بعنوان حل اختلاف  
راجع بصلاحیت قابل طرح در محکمه استیناف باشد بنا براین  
در این قسمت قرار رد عرض حال استینافی صادر میشود - و راجع  
بقرار رد عرض حال هر چند در ماده ۱ قانون اخیر اعسار مصوب  
۲۰ آذر ۱۳۱۳ از معسر کسی که قادر بتادیبه مخارج محاکمه  
و دیون خود نباشد تعریف و در این تعریف عبارت دیون  
بطور مطلق ذکر شده است لیکن علاوه بر حصر مقررات قانون  
مزبور تحت دو عنوان اعسار از مخارج محاکمه و محکوم به و  
مربوط باین دو عنوان و پیش بینی نشدن طرح دعوی اعسار

۳۴۰ اصول محاکمات اصلاحی نقض میشود و نسبت بشکایت فرجام خواه از قرار راجع بتایید قرار رد دعوی اعراض چون قرار برطبق قانون صادر شده و اشکالیکه موجب نقض باشد در آن بنظر نمیرسد لذا قرار مزبور بانفاق آراء مبرم است

کار از شعبه دادگاه شعبه دیگر همان دادگاه داخل قرارهای عدم صلاحیت ذاتی یا محلی نیست که قابل پژوهش باشد لیکن چون دادگاه باینجهت استناد نکرده و دلیل رأی بطوریکه ذکر شد مخدوش است لذا قرار مزبور بموجب شق ۳ ماده

### تصمیم دیوان کشور بر استوار کردن

در مورد دعوی بردن محصول کسی بقهر و غلبه

ماده ۲۶۱ قانون مجازات

تزد با تریس دادگستری گفته است اهالی محل منتهمان آمده از خرمنهای عشریه میبرند و چند نفر هم اظهار داشته اند با کیل و یا با غیرال میبرند بردن گندم باین کیفیت از مصادیق نهب و غارت که در ماده ۲۶۱ قانون مجازات عمومی تعریف شده نیست زیرا غارت گر با کیل و میزان معین مالی را نمیبرد و همچنین عنوان قهر و غلبه هم در این مورد صادق نمیشود چه آنکه قهر و غلبه آنست که جلوگیری وجود داشته و مانع شده باشد و مهاجم یا فشاری کند و خارج نشود و پرونده فاقد این معنی است لذا گناه متهمین بنهب و غارت و ورود بقهر و غلبه در ملک غیر محرز نیست و تابعان از گناه انتسابی تبرئه میشوند - شعبه ۲ دیوان کشور در دادنامه شماره ۴۸۶ بتاريخ ۳۳/۳/۱۸ (از لحاظ اینکه بر عمل متهمین بکیفیاتیکه در نظر دادگاه محرز شده عنوان نهب و غارت که شرط تحقق بزه ادعایی است صدق نمی کند) دادنامه را استوار کرده است:

چند نفر بیزه غارت محصول مورد تعقیب دادسرا واقع و باستناد مواد ۲۶۱ و ۲۶۵ قانون مجازات ادعای نامہ بدادگاه جنائی فرستاده شده دادگاه چنین رای داده است: (متهمین بانفاق عده دیگری از اهالی محل خود مقداری گندم از خرمنهای مورد شکایت برده اند ولیکن مسلم است زمینهای خرمنگاه بین مالکین دو محل متنازع فیه بوده و بنابه معمول اهالی اطراف همه ساله میآمده اند در آن زمینها گندم دیم میکاشته و عشریه محصول را متصرفین آن میداده اند و همچو معلوم میشود در آن سال آغاز نزاع مالکیت بین مالکین دو محل پیش آمده که مباشر یا مستاجر محل متهمان برای اخذ عشریه محصول که معمولاً حق اربابی است و باید سر خرمن بمالک پرداخته شود برای اخذ عشریه اقدام نموده و مقداری گندم با کیل و یا باز دید که معمول به تمام نزاع هرجاست باز کرده برده اند چنانکه کدخدای محل شاکیان